

گلوگاه‌ها و عوامل مؤثر بر تولید علوم انسانی اسلامی

کاوس روحی برندق^۱
محمد ایمانی برندق^۲
امیر شیخ محمدی^۳
توحید مشیری^۴

چکیده

هدف: این تحقیق به منظور شناسایی گلوگاه‌ها، حلقه‌ها و عناصر مهم تولید علوم انسانی اسلامی و معرفی آنها به صاحب‌نظران سامان یافته است. **روش:** این تحقیق از نوع آماری و میدانی و جامعه آماری آن اساتید و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مرتبط با رشته‌های علوم انسانی دانشگاه ارومیه و دانشگاه تبریز است. اندازه‌گیری متغیرها در این تحقیق با مقیاس لیکرت و به صورت پرسشنامه (آلفای کرونباخ ۹۸ درصد) انجام گرفته است. **یافته‌ها:** ضعیف‌ترین حلقه‌ها در مسیر حرکت به طرف علوم انسانی اسلامی، سطح راهنمایی و حلقه ضعیف دیگر، سطح دبیرستان است. همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق، برخی از عناصر از اهمیت بالایی برخوردار بوده و در سطح ۹۵ درصد اطمینان، معنادار بوده، به تقویت بیشتر نیازمندند. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که گام نخست برای اسلامی کردن علوم انسانی، اسلامی‌سازی همه‌جانبه پایه‌های نخست آموزش، به ویژه در مقطع راهنمایی و دبیرستان است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، تولید علم، دانشگاه.

دریافت مقاله: ۹۲/۰۱/۱۶؛ تصویب نهایی: ۹۲/۰۷/۱۳.

۱. دکترای فقه و اصول و دکترای مدرسی معارف؛ گرایش مبانی نظری؛ استادیار دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) /

آدرس: تهران، دانشگاه تربیت مدرس، گروه علوم قرآن و حدیث / نامبر: ۰۲۱۸۲۸۸۴۶۱۴ /

Email: k.roohi@modares.ac.ir

۲. دکترای حسابداری؛ استادیار دانشگاه ارومیه.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حسابداری دانشگاه ارومیه.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حسابداری دانشگاه ارومیه.

الف) مقدمه

مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاه‌های کشور به صورت ترجمه‌ای تدریس می‌شود، جهان‌بینی مادی و متعارض با مبانی قرآنی و دینی است؛ به گونه‌ای که علوم انسانی تحقق یافته، علمی‌اند که در غرب شکل گرفته، با مبانی و بنیادهای سکولار تحقق یافته‌اند (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۲۹)؛ در حالی که پایه و اساس علوم انسانی را بهتر است در منابع دینی جستجو کنیم. بر اساس نظریه‌ای در تفسیر علم دینی، هم اینک نیز متون دینی می‌توانند منبع علوم مختلف باشند؛ چرا که دین... خطوط کلی بسیاری از علوم را ارائه کرده و مبانی جامع بسیاری از دانشهای تجربی، صنعتی و مانند آن را تعلیم داده است... آنچه از پیشوایان معصوم رسیده که: «علینا إلقاء الاصول الیکم، و علیکم بالتفرع» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳: ۵۷۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۴۵)، ناظر به اجتهاد در تمام رشته‌های علوم اسلامی است، نه فقط فقه (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۹-۷۲). بر اساس نظریه‌ای دیگر، حداقل علم دینی، علمی است که بر مبانی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه دینی مبتنی باشد، هر چند برخی از مسائل علوم انسانی ممکن است به صراحت در متون دینی نیز آمده باشند. (ر.ک: باقری، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

بر اساس این دو دیدگاه، از میان شش دیدگاه مطرح در تفسیر علم دینی، که درست‌ترین تفسیرها از علم دینی به شمار می‌آیند (فتحعلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۴)، حداقل برخی از مسائل (و نه کل آن و نه خصوص مبانی) علوم انسانی را باید در منابع اسلامی جستجو کرد. بر این پایه، با توجه به آنکه در شکل‌گیری علوم انسانی، افزون بر یافته‌های عقلی و تجربی، باورهای اسلامی نیز مؤثرند، علوم انسانی تکوین یافته در غرب نمی‌تواند بدون بازنگری، در جوامع اسلامی کارایی لازم را داشته باشد؛ زیرا جهان‌بینی اسلامی با جهان‌بینی غرب تفاوت‌های چشمگیری دارد.

این تحقیق به دنبال آن است تا بتواند عناصر مهم تخصصی مربوط به علوم انسانی را از یک سو و عناصر بومی متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی و عناصر اسلامی برگرفته از متون دینی را در مسیر حرکت به سوی اسلامی‌سازی علوم انسانی شناسایی کرده، در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار دهد، اما آنچه در این میان دارای اهمیت فراوان است و گام نخست در این زمینه به شمار می‌آید، شناخت گلوگاه‌هاست که این تحقیق بر اساس نظریه محدودیت، در صدد شناخت مؤثرترین عامل و گلوگاه در اسلامی‌سازی علوم اسلامی است.

ب) مفاهیم

۱. علوم انسانی

دیدگاه دانشمندان در تعریف علوم انسانی متفاوت است. برخی آن را به «علمی که با انسان سر و کار دارد» تعریف کرده‌اند (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۲: ۲۱). این تعریف قطعاً مانع اغیار نیست، بلکه قلمرو آن، چنان گسترده است که حتی علمی مثل پزشکی را فرامی‌گیرد. برخی دیگر گفته‌اند: علوم انسانی، مجموعه علوم دانشگاهی است که به حوزه‌های حیات انسانی به صورت خاص می‌پردازد. حوزه فردی را در روان‌شناسی و حوزه زندگی اجتماعی انسان را در جامعه‌شناسی، حیات اقتصادی انسان را در علم اقتصاد و حیات سیاسی انسان را در علم سیاست و حقوق بررسی می‌کند. مراد از علوم انسانی، عبارت است از آنچه امروزه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی دنیا به عنوان علوم انسانی و نیز علوم الهیاتی تلقی می‌شود؛ از قبیل روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی (حسنی و علیپور، ۱۳۸۵). این تعریف نیز جز احاله به آنچه در دانشگاه‌ها به صورت تحقق یافته از علوم انسانی می‌شناسیم، تعریف مفهومی دقیقی ارائه نکرده است و قید «حوزه‌های حیات انسانی به صورت خاص» همانند تعریف گذشته، گستره وسیعی را شامل می‌شود که قطعاً از علوم انسانی در دانشگاه‌ها مراد نیست. قید «به صورت خاص» نیز قید توضیحی «آنچه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی دنیا به عنوان علوم انسانی و نیز علوم الهیاتی تلقی می‌شود»، جزء ارجاع به مصداق تحقق یافته خارجی است و تبیین مفهومی به شمار نمی‌آید.

برخی دیگر، علوم انسانی را علمی می‌دانند که «رفتارهای جمعی و فردی، ارادی و غیر ارادی و آگاهانه و ناآگاهانه انسان را در قالب نظم‌های تجربه‌پذیر می‌ریزد». این تعریف، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم تربیتی، سیاسی، روان‌شناسی و روان‌کاوی را شامل می‌شود (سروش، ۱۳۷۳: ۴۴)، ولی اشکال وارد بر آن این است که صرفاً علوم انسانی نظری و مولد را در بر می‌گیرد و علوم انسانی مصرف‌کننده نظریه‌ها، مانند بانکداری، مدیریت و غیره را شامل نمی‌شود و نیز فلسفه و الهیات و دانش‌های اعتباری، مانند حقوق و اخلاق و زبان و ادبیات از حوزه علوم انسانی خارج می‌شود (همان: ۱۷)؛ با وجود آنکه این دو دسته علوم همگی در مجامع علمی جهانی دانشگاه‌های داخلی و خارجی، به عنوان علوم انسانی شناخته و تعریف می‌شوند.

تعریف ژولین فروند از علوم انسانی، نقیصه نخست را حل کرده است. تعریف او، هم شامل علوم نظری و مولد و هم شامل علوم انسانی مصرف‌کننده می‌شود؛ آنجا که می‌نگارد: «علوم انسانی

به معارفی اطلاق می‌شود که موضوع تحقیق آنها فعالیت‌های مختلف بشر است؛ یعنی فعالیت‌هایی که متضمن روابط افراد بشر با یکدیگر و روابط این افراد با اشیا و نیز آثار و نهادها و مناسبات ناشی از اینهاست». (فروند، ۱۳۷۲: ۴-۳)

در هر حال، تمامی این تعاریف ناظر به «موضوع» است؛ یعنی هر یک تلقی خود از انسان را که قطعاً انسان متعارف از آن مراد است و نه انسان مطلوب، بیان کرده‌اند و راه برای تحدید مفهومی آن از این نظر همچنان باز است. به ویژه آنکه این‌گونه تعریفها، درصدد بیان تبیین و تحدید مفهومی دقیق از اموری‌اند که در خارج تحقق یافته و از نظر مصداقی برای همه دانشیان روشن است.

بر این اساس، می‌توان راه را برای تعریف دقیق از علوم انسانی به این صورت گشود که تعریفی از علوم انسانی ارائه شود که به «مبانی»، «روشهای تحقیق» یا «غایت» علوم انسانی نیز اشاره کند تا تعریف نزدیک‌تر به واقعی از آن ارائه شود. خسروپناه در این باره چنین می‌نگارد: «تاریخ علوم انسانی در دوران جدید و معاصر نشان می‌دهد علوم انسانی تحقق یافته، مجموعه گزاره‌های نظام‌مندی است که با بهره‌گیری از روشهای تجربی و مبانی غیر تجربی، به تبیین و تفسیر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تحقق یافته می‌پردازد یا با بیان توصیه‌های اخلاقی و حقوقی، انسان تحقق یافته را به انسان مطلوب در نظر گرفته شده، راهنمایی می‌کند» (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۲۲) و در ادامه، انحصار روش در علوم انسانی به روش تجربی را ناتمام انگاشته و روش علوم انسانی را روش ترکیبی برمی‌شمارد (همان). این تعریف، یک گام به جلو برای ارائه تعریف دقیق از علوم انسانی است؛ زیرا از نظر «موضوع»، تعریف به نسبت جامعی است و به «روش علوم انسانی» و تعمیم آن به تجربی و غیر تجربی و نیز از نظر «غایت»، به تبدیل انسان متعارف به انسان مطلوب و ایده‌آل تصریح کرده است، بلکه به «مبانی» نیز اشاره و به «غیر تجربی» بودن آن تصریح دارد که در حقیقت؛ نقدی بر دیدگاه نظریه‌پردازان علوم انسانی متعارف به شمار می‌آید و توصیفی از علوم انسانی تحقق یافته است. در هر حال، راه همچنان برای ارائه تعریف دقیق‌تر و منضبط‌تر گشوده است.

۲. علم دینی

از اوایل قرن بیستم، زمزمه‌های اسلامی شدن علوم جدید پدید آمد. اندیشمند هندی تبار، ابوالعلاء مودودی (۱۹۷۹-۱۹۰۳ م) با انتقاد از برنامه‌های به ظاهر اسلامی دانشکده علیگرده، برای

گلوگاه‌ها و عوامل مؤثر بر تولید علوم انسانی اسلامی ♦ ۲۵

رهایی از نظام جدید جهت‌گیری شده سکولار، ایجاد نظام جداگانه آموزشی توسط خود مسلمانان را پیشنهاد کرد (ر.ک: گلشنی، ۱۳۸۵: ۱۴۶-۱۴۵). از سده اخیر برای علوم انسانی اسلامی یا دینی و اسلامی کردن علوم جدید، تلاش‌های دامنه‌داری صورت گرفته است که از این میان می‌توان به اندیشمند مالزیایی، محمد نقیب العطاس (۱۹۳۱ م) و متفکر فلسطینی تبار، اسماعیل فاروقی (۱۹۸۶-۱۹۲۱ م) از دانش‌آموختگان و استادان دانشگاه‌های آمریکا، اشاره کرد. در کشور ما، جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش‌های فراوانی در این راه صورت گرفته است که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

مجموعه تعریف‌هایی که در زمینه تعریف علم دینی / علم اسلامی ارائه شده یا می‌توان ارائه داد- هر چند برخی تعریف‌های آینده اصولاً از بحث علم دینی بیرون است- عبارتند از:

- علمی که به شرح و تفسیر کتاب آسمانی یا سخنان پیشوایان دینی می‌پردازد. (گروهی از نویسندگان، بی تا: ۲۵۲)

- علمی که برای جامعه دینی سودمند یا ضروری است. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۴۷-۱۴۶)

- علمی که عالمان آن متدین به دین خاصی اند. (ر.ک: حسنی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۳۲-۱۷۱)

- علمی که از خطوط قرمزی که دین و اخلاق تعیین کرده‌اند، عبور نمی‌کند. (گروهی از نویسندگان، بی تا: ۵۲ و ۴۱۴)

- علمی که منبع آگاهی ما از گزاره‌های آن، نه عقل و تجربه مستقل بشری، که متون دینی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۲-۷۹)

- علمی که بر مبانی دینی (هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه) مبتنی است. (باقری، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

از این میان، سه تعریف اخیر (به ویژه تعریف پنجم و ششم) می‌تواند در بحث دینی (اسلامی) کردن علوم، مقصود باشد. (فتحعلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۴)

با این حال، به نظر می‌رسد جای تعریف جامع‌تری که در بر گیرنده تعریف پنجم و ششم، بلکه ارائه تعریفی که از نظر جامعیت مبانی و نیز ذکر روش به کاربرد روش مورد تأیید دین / اسلام اشاره کند، همچنان خالی است و شاید بررسی‌های خسروپناه (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۲۴۶-۲۱۶) گام نخست در این موضوع به شمار می‌آید. با این ملاحظات، علم دینی / اسلامی، علمی است که مبانی آن در حوزه معرفت‌شناسانه، هستی‌شناسانه، خداشناسانه، انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه، مورد پذیرش

دین/اسلام بوده، منبع گزاره‌های آن که مسائل علم را تشکیل می‌دهند، از منابع نقلی دینی/اسلامی (قرآن، سنت و اجماع) و منابع عقلی یا منابع تجربی مورد تأیید دین/اسلام برگرفته شده باشد و از نظر روش تحقیق نیز از روشهایی که مورد تأیید دین/اسلام است، بهره گیرد و افزون بر همه اینها، از نظر غایت و هدف نیز نه تنها مورد تأیید، بلکه به سمت و سوی اهداف و غایات دینی رهنمون شود. با توجه به تعریفی که از علوم انسانی و نیز علم دینی ارائه شد، تعریف علوم انسانی اسلامی مشخص می‌شود و نیازی به توضیح بیشتر نیست.

ج) نظریه محدودیت‌ها، راهکاری مفید برای شناخت گلوگاه تولید علم دینی

نظریه محدودیتها معتقد است که هر سیستم حداقل دارای یک محدودیت است و وجود محدودیتها نشان‌دهنده پتانسیل برای رشد و انجام تغییرات نتیجه‌بخش است. محدودیتها در این نظریه نقش اساسی دارند. محدودیت عبارت است از هر عاملی که کارایی سیستم را در ارتباط با هدف یا مقصود از پیش تعیین شده محدود کند. در سازمانها و کارخانجات، محدودیت را به نام گلوگاه می‌شناسند، منبع گلوگاهی، منبعی است که ظرفیتش کمتر یا مساوی تقاضای مورد انتظار برای آن است، اما گلوگاههای تولیدی تنها محدودیتهای سازمان نیستند.

باید توجه کرد که ظرفیت و موفقیت کل سیستم، به قدرت ضعیف‌ترین حلقه مربوط است. برای افزایش قدرت کل، بهتر است قدرت حلقه ضعیف را بیشتر کنیم و اگر بدون توجه به حلقه ضعیف، قدرت حلقه‌های دیگر زنجیر را افزایش دهیم، بدون شک کار بی‌هوده‌ای انجام داده‌ایم و قدرت کل زنجیر ما افزایش نخواهد یافت. در بحث علوم انسانی اگر بدون بررسی کلیه حلقه‌ها، صرفاً حلقه دانشگاه را تقویت کرده، بهترین کتابها، اساتید و امکانات لازم را تهیه کنیم، چون به ضعیف‌ترین حلقه توجه نکرده‌ایم، نتیجه مناسبی نخواهیم گرفت؛ چرا که ممکن است حلقه ضعیف ما دبیرستان، راهنمایی یا خانواده باشد. بنابر این، در این پژوهش به دنبال بررسی این حلقه‌ها هستیم تا با شناسایی ضعیف‌ترین آنها، به صاحب نظران در این زمینه کمک کنیم نسخه لازم را برای تقویت این حلقه‌ها بیچند.

(د) روش تحقیق و تحلیل یافته‌ها

این تحقیق از نوع توصیفی است. در این روش، متغیرها و رفتار انسان را به طور طبیعی و در وضعیت واقعی، که در موقعیتهای مختلف زندگی رخ می‌دهد، بررسی می‌کنند. در مواردی که صفت پنهان را نمی‌توان به طور مستقیم و با وسایل اندازه‌گیری سنجید، جمع‌آوری داده‌ها با پرسشنامه، وسیله مناسبی به منظور تحقق هدف؛ یعنی اندازه‌گیری صفات پنهان است. بنابراین در این تحقیق، به منظور گردآوری اطلاعات لازم برای فرضیه‌های پژوهش، از روش پرسشنامه استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه طوری طراحی شده‌اند که هر پرسش، بیانگر عاملی باشد که می‌تواند در حرکت به طرف ایجاد علوم انسانی اسلامی مؤثر باشد. از پاسخ‌دهندگان خواسته شده تا نظر خود را نسبت به عوامل، از طریق ارائه نمره در طیف ۱ تا ۵ اعلام کنند. نمره ۱، بیانگر آن است که از نظر پاسخ‌دهندگان، عامل مورد نظر نمی‌تواند در مسیر حرکت به طرف علوم انسانی اسلامی مؤثر باشد یا اینکه خیلی کم‌اهمیت است و نمره ۵، نشان‌دهنده اهمیت خیلی بالای موضوع مورد نظر در مسیر حرکت به طرف علوم انسانی اسلامی است.

فرضیه‌های تحقیق به صورت ذیل ارائه شده‌اند:

H_0 : از دیدگاه اساتید عامل X_i از عوامل مهم در مسیر حرکت به طرف علوم انسانی اسلامی نیست.

H_1 : از دیدگاه اساتید عامل X_i از عوامل مهم در مسیر حرکت به طرف علوم انسانی اسلامی است.

گفتنی است که تکنیک X_i ذکر شده در فرضیه مذکور، بیانگر سؤالاتی است که در پرسشنامه ارائه شده‌اند. (جدول ۱)

درباره آزمون فرضیه‌ها باید گفت که ادعای آزمون در H_1 عنوان شده و از آزمون تی^۱ در این تحقیق استفاده شده است؛ به این صورت که اگر سطح معناداری (α) محاسبه شده در این تحقیق، کوچک‌تر از ۵ درصد باشد، سطح ذکر شده معنادار بوده، و گرنه معنادار نخواهد بود.

جامعه آماری این تحقیق، شامل اساتید و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مرتبط با رشته‌های علوم انسانی دانشگاه ارومیه و دانشگاه تبریز می‌باشند. برای انتخاب نمونه جهت ارسال پرسشنامه، با توجه به اینکه حجم جامعه مورد مطالعه محدود و مشخص است، از فرمول ذیل استفاده شده است:

$$n = \frac{N \cdot Z \frac{2}{\alpha} \cdot p \cdot q}{\varepsilon^2 (N - 1) + Z \frac{2}{\alpha} \cdot p \cdot q}$$

با عنایت به توضیحات، اگر نسبت موفقیت (p) یا تأیید فرضیه‌های تحقیق، ۵۰ درصد و نسبت شکست (q) یا رد آنها نیز ۵۰ درصد و سطح اطمینان (1-α) ۹۵ درصد و خطای برآورد نمونه (ε) ۰/۱ منظور شود، تعداد نمونه مورد نظر، ۷۷ به دست می‌آید؛ که توانستیم بر آن اساس، ۵۰ پرسشنامه جمع‌آوری کنیم. (رک: آذر و مؤمنی، ۱۳۷۷)

برای اندازه‌گیری متغیرها در این تحقیق از پرسشنامه با مقیاس لیکرت^۱ استفاده شد. پرسشنامه مذکور شامل ۵۳ سؤال مربوط به آزمون فرضیه‌ها به صورت بی‌نام بوده و برای تسریع در دریافت پاسخ و جمع‌آوری نتایج، به صورت حضوری به پاسخ‌دهندگان ارائه و جمع‌آوری شد. در ضمن، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برابر با ۹۸ درصد بوده که نشان‌دهنده اعتبار بالای پرسشنامه است.

ه) یافته‌های تحقیق

جدول ۱، بیانگر نتایج آماری تحقیق حاضر و شامل درصد سطوح اهمیت هر سؤال، میانگین و سطح معناداری است. در ضمن، این جدول اهمیت سؤالات پرسشنامه را بر اساس میانگین نمرات داده شده نیز نمایش می‌دهد.

1. Likert Scale

جدول ۱: عوامل مورد بررسی و سطوح اهمیت آن‌ها

معداری	میانگین	درصد گزینه‌ها					شرح
		بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	
۰۰۰۱	۳۰۷	۲۹	۲۵	۲۷	۱۲	۴	استفاده از مفاهیم و تفسیر قرآن در علوم انسانی و تغییر علوم انسانی بر اساس آن
۰۰۰۱	۳۰۶	۲۰	۳۷	۲۳	۱۴	۴	افزایش مهارت کافی معلمان دوره راهنمایی در این راستا
۰۰۰۱	۳۰۶	۲۷	۲۷	۲۷	۸	۸	برگزاری مناظره بین دانشجویان و طلاب
۰۰۰۱	۳۰۶	۳۱	۲۹	۱۶	۱۴	۸	افزایش تحقیقات در زمینه علوم انسانی اسلامی و ایجاد انگیزه در این راه
۰۰۰۲	۳۰۶	۲۷	۳۵	۱۶	۸	۱۲	شناسایی نیازهای جامعه برای حرکت سریع به سوی علوم انسانی اسلامی
۰۰۱۱	۳۰۵	۲۵	۲۲	۳۲	۱۲	۸	افزایش مهارت کافی معلمان دوره متوسطه در این راستا
۰۰۱۲	۳۰۵	۲۸	۲۳	۲۵	۱۲	۱۰	برگزاری مناظره بین استادان حوزه و دانشگاه برای رفع اشکالات دینی و علمی
۰۰۰۸	۳۰۵	۲۰	۳۳	۲۵	۱۲	۸	تشکیل تیمهای تخصصی علوم انسانی از استادان دانشگاه
۰۰۰۷	۳۰۵	۲۴	۳۱	۲۳	۱۰	۱۰	مناظره بین گروههای موافق و مخالف تحول در علوم انسانی
۰۰۲۲	۳۰۵	۲۷	۲۹	۱۴	۱۶	۱۲	استفاده از آیات و روایات در رابطه با علوم انسانی
۰۰۱۳	۳۰۵	۲۱	۳۷	۱۲	۲۰	۸	اهمیت دادن به مسائل کاربردی در تدوین کتابهای درسی
۰۰۱۳	۳۰۴	۱۴	۳۱	۳۷	۱۰	۶	افزایش مهارت کافی معلمان دوره ابتدایی در این راستا
۰۰۱۶	۳۰۴	۲۳	۲۵	۲۹	۱۰	۱۰	آشنا نمودن دانش‌آموزان دوره متوسطه با علوم انسانی بر پایه مبانی اسلامی
۰۰۰۴	۳۰۴	۱۸	۳۳	۲۱	۱۸	۸	مقایسه محتوای دروس بر مبنای الگوهای اسلامی با الگوهای غربی در کتب درسی
۰۰۱۷	۳۰۴	۲۲	۳۱	۲۵	۸	۱۲	تشکیل تیمهای تخصصی علوم انسانی بین کشورهای اسلامی
۰۰۱۸	۳۰۴	۱۶	۳۵	۲۹	۸	۱۰	برجسته نمودن نظریه‌های علمی که در متون دینی بدان اشاره شده است
۰۰۱۹	۳۰۴	۱۶	۳۳	۲۵	۲۰	۴	تربیت استادان دارای تخصص علوم انسانی اسلامی
۰۰۳۴	۳۰۳	۱۰	۴۳	۲۳	۱۴	۸	آشنا نمودن دانش‌آموزان دوره راهنمایی با علوم انسانی بر پایه مبانی اسلامی
۰۰۴۸	۳۰۳	۱۶	۲۷	۳۳	۱۶	۶	تدوین کتب درسی با محتوای اسلامی در دوره راهنمایی
۰۰۱۰۹	۳۰۳	۱۶	۳۱	۲۵	۱۶	۱۰	تدوین کتب درسی با محتوای اسلامی در دوره متوسطه
۰۰۱	۳۰۳	۱۸	۲۵	۲۹	۱۸	۸	افزایش سطح آشنایی والدین با علوم انسانی و اهمیت آن
۰۰۸۷	۳۰۳	۱۸	۲۹	۲۳	۲۰	۸	فرهنگ سازی علوم انسانی بر پایه مبانی اسلامی در رسانه‌ها
۰۰۰۷	۳۰۳	۲۰	۲۳	۳۳	۱۲	۱۰	رده بندی رشته‌های علوم انسانی بر اساس کاربرد مفاهیم اسلامی در آن
۰۰۱۲	۳۰۳	۲۲	۲۲	۲۵	۲۲	۸	تغییر در مفاهیم تدریسی در دوره‌های تربیت معلم بر اساس

۳۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۸

							آموزه‌های اسلامی
۰.۲۲۲	۳.۲	۱۸	۲۰	۲۷	۳۱	۲	تدوین کتب دانشگاهی در چارچوب مبانی اسلامی
۰.۳۷	۳.۲	۲۰	۱۶	۳۵	۱۶	۱۲	تغییر روش تدریس مطابق دین اسلام با امکانات لازم
۰.۲۱	۳.۲	۱۸	۲۵	۲۳	۲۳	۸	افزایش میزان رضایت استادان از تحول در علوم انسانی
۰.۳۵	۳.۲	۱۷	۲۹	۲۰	۱۶	۱۶	استفاده از تجارب کشورهای اسلامی در رابطه با اسلامی سازی علوم انسانی
۰.۱۵۵	۳.۲	۲۱	۲۷	۲۲	۱۲	۱۶	استفاده از علوم انسانی غربی و تغییر در آنها در جهت مبانی اسلامی
۰.۲۱	۳.۲	۱۴	۳۵	۱۸	۲۲	۱۰	جهت دهی و هدایت رساله‌ها و تحقیقات دانشگاهی به سمت علوم انسانی اسلامی
۰.۳	۳.۲	۱۸	۳۱	۱۷	۱۶	۱۶	افزایش مجلات تخصصی علوم انسانی اسلامی
۰.۲۸	۳.۲	۱۴	۲۷	۲۷	۲۲	۸	افزایش اهتمام دانشگاهها به تحقیقات علوم انسانی اسلامی در راستای ارتقای دانش اسلامی استادان
۰.۵۲۱	۳.۱	۱۰	۲۷	۲۹	۲۵	۶	تدوین کتب درسی با محتوای اسلامی در دوره ابتدایی
۰.۵۸۴	۳.۱	۱۰	۳۹	۱۶	۱۸	۱۶	افزایش سطح دینی استادان با برگزاری دوره‌های آموزشی برای شیوه تدریس علوم مختلف
۰.۵۸	۳.۱	۱۸	۲۲	۲۳	۲۳	۱۲	برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف علوم انسانی اسلامی برای عموم دانشگاهیان در حوزه و بالعکس
۰.۶۸	۳.۱	۱۶	۲۹	۲۰	۱۴	۲۰	ایجاد دانشگاه اسلامی
۰.۷۷	۳.۱	۲۲	۲۲	۱۸	۱۶	۲۲	گزینش مناسب استادان علوم انسانی اسلامی
۰.۴۶	۳.۱	۱۶	۳۱	۱۵	۲۲	۱۴	تخصیص بودجه مناسب از سوی دولت در این زمینه
۰.۴۲	۳.۱	۱۸	۲۰	۲۷	۲۵	۸	افزایش کیفی و کمی واحدهای عملی در زمینه‌های متناسب علوم انسانی اسلامی
۰.۹۱۶	۳	۱۵	۲۲	۲۲	۲۳	۱۶	استفاده از دبیران حوزه دینی برای تدریس دروس اسلامی در دوره راهنمایی
۰.۹۱۶	۳	۱۶	۱۹	۳۷	۱۸	۱۸	تشکیل واحدی به نام حوزه در دانشگاه و واحدی به نام دانشگاه در حوزه، برای ارتباط بیشتر دو نهاد
۰.۹۱	۳	۱۴	۲۳	۲۵	۲۲	۱۴	استفاده از الگوهای اسلامی در دانشگاه
۱	۳	۱۷	۱۸	۲۵	۲۲	۱۶	افزایش میزان رضایت مسئولان از تحول در علوم انسانی
۰.۴۳۷	۲.۹	۱۶	۱۲	۲۵	۳۳	۱۲	استفاده از دبیران حوزه دینی برای دروس اسلامی در دوره متوسطه
۰.۵۸	۲.۹	۸	۳۳	۱۸	۲۰	۲۰	برگزاری دوره‌های آموزشی دینی برای اساتید علوم انسانی و آموزش روش تدریس مناسب
۰.۵۲	۲.۹	۱۴	۲۰	۲۵	۲۰	۲۰	ایجاد دروس اسلامی در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترا
۰.۷۴	۲.۹	۱۲	۲۵	۲۳	۱۹	۱۸	به کار بردن ارزیابی دانشجویان در مورد استادان علوم دینی و علوم انسانی، در ترم‌های بعد
۰.۱۸۸	۲.۸	۸	۲۵	۲۰	۲۵	۲۰	آشنا نمودن دانش آموزان دوره ابتدایی با علوم انسانی بر پایه مبانی اسلامی

گلوگاه‌ها و عوامل مؤثر بر تولید علوم انسانی اسلامی ۳۱

۴۹	استفاده از دبیران حوزه دینی برای دروس اسلامی در دوره ابتدایی	۱۶	۲۹	۲۹	۱۶	۰۰۰۷۵
۵۰	تغییر عنوان رشته علوم انسانی در سطح متوسطه به علوم انسانی اسلامی	۲۷	۱۴	۲۵	۲۲	۰۰۱۵۱
۵۱	تشکیل کلاسهای علمی حوزه به طور مشترک با دانشگاهیان مربوط	۱۹	۲۹	۲۸	۱۲	۰۰۳۳
۵۲	تشکیل کلاسهای دینی دانشگاه به طور مشترک با حوزویان مربوط	۲۲	۳۱	۳۱	۶	۰۰۱۲
۵۳	افزایش تعداد دروس اسلامی در مقاطع دانشگاهی	۲۲	۱۹	۲۷	۱۲	۰۰۰۹

(و) بحث و تحلیل

مجموعه پرسشهایی که در این تحقیق از آزمودنی‌ها پرسیده شده، ۵۳ پرسش است که پس از گردآوری دیدگاهها و پیشنهادهای صاحب‌نظران و کارشناسان مربوط، اقدام به تهیه و تنظیم آنها شده است؛ پرسشهایی که می‌توانند به عنوان شاخص عوامل و عناصر پیش‌برنده علوم انسانی اسلامی تلقی شوند. تحلیل مجموعه پرسشهای تحقیق مشخص می‌کند که سؤالهای حوزه‌های ذیل مطرح شده و ترتیب منطقی چینش و طبقه‌بندی آنها به ترتیب عبارت است از: (۱) آسیب‌شناسی وضع موجود؛ (۲) استفاده از تجارب روشهای اسلامی؛ (۳) شناخت چالشها و گره‌های کور اجرایی کشور؛ (۴) سرمایه‌گذاری و ارج‌گذاری مادی و معنوی در زمینه بومی‌سازی و تحول در علوم انسانی؛ (۵) افزایش مهارت معلمان و استادان و استفاده از نقش بی‌بدیل آنان در انتقال دانش؛ (۶) گفتگو و مناظره میان فرهیختگان و دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه برای تعامل بیشتر؛ (۷) نقش والدین در تحول؛ (۸) توجه به مطالعات تطبیقی در زمینه علوم انسانی غربی و اسلامی برای آشنایی بیشتر با نقطه‌های کور که باید متحول، بومی و اسلامی‌سازی شود؛ (۹) استفاده از مفاهیم قرآنی و اسلامی در تبیین، ارتقا بخشی و تحول در علوم انسانی به سوی علوم انسانی اسلامی؛ (۱۰) تحول در روشها و اسلامی‌سازی و بومی‌سازی آن؛ (۱۱) استفاده از ابزار رسانه و تبلیغ برای تحول؛ (۱۲) استفاده از تحقیقات دانشگاهی در جهت تحول.

تحلیل نتایج به دست آمده مبتنی بر نظریه محدودیت، این است که در مسیر حرکت به طرف علوم انسانی اسلامی، ضعیف‌ترین حلقه‌ها، سطح راهنمایی و حلقه ضعیف دیگر، دبیرستان است. بر این اساس، ضروری است با توجه به اهداف کلی آموزش دینی در دوره راهنمایی که با توجه به حیطه‌های مختلف، مطابق ابعاد وجود انسان و جهان‌بینی اسلامی تدوین شده است، برنامه‌های درخور و شایسته برای آغاز تحول، به ویژه در کتابهای درسی صورت گیرد. اما در جهت آسیب‌شناسی، به ویژه در مورد آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران، مدارس راهنمایی بیانگر آن است که «۱. محتوای کتب درسی مربوط به تربیت دینی، از عوامل آسیب‌زا در

تربیت دینی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران است. ۲. وجود یا عدم وجود برخی ویژگی‌ها و خصوصیات در معلمان دینی و پرورشی می‌تواند از عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران باشد. ۳. محیط مدرسه و عوامل مربوط به آموزشگاه می‌تواند از عوامل مؤثر آسیب‌زا در تربیت دینی دانش‌آموزان راهنمایی شهر تهران باشد. (رهنا، طباطبایی و علین، ۱۳۸۵)

همچنین تحقیق در مورد کتابهای درسی در رابطه با ارزشهای اسلامی ایرانی، گواه بر آن است که «کتابهای درسی مقطع ابتدایی و راهنمایی در راستای آشناسازی دانش‌آموزان با ارزشهای اسلامی و ایرانی، هم از نظر کمیت مفاهیم درج شده در کتابهای درسی و هم از نظر کیفیت ارائه مفاهیم، نیازمندی بازبینی و اصلاح است» (فیاض ایراندخت: ۱۳۸۷) و از جهت آموزش مفاهیم قرآنی که از اهمیت والایی در تحول برخوردار است، تحلیل محتوای کتب درسی دوره پیش‌دانشگاهی، از نظر میزان توجه به قرآن و مفاهیم قرآنی، مؤید آن است که «با توجه به یافته‌ها و بر اساس داده‌های حاصل از تحلیل محتوا در پژوهش حاضر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در کتابهای رشته انسانی، بیش از کتب درسی سایر رشته‌ها به قرآن و مفاهیم قرآنی توجه شده است و در کتب دیگر رشته‌های پیش‌دانشگاهی، به خصوص کتب تخصصی هر رشته، این توجه بسیار اندک بوده یا اصلاً به قرآن و مفاهیم قرآنی پرداخته نشده است». (پیروانی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۸)

حقیقت این است که برای بهره‌گیری از محتوای دین اسلام در پژوهش دینداری که جنبه‌ای مهم از تحول در علوم انسانی به شمار می‌آید، باید توجه کرد که «اندازه‌گیری صحیح، غیر انحرافی و معتبر دینداری در جامعه اسلامی ایران، بدون توجه به محتوای برخاسته از خود دین مبین اسلام ممکن نیست. لذا تقلید از اندازه‌گیری‌های رایج غربی، بدون دقت در این معانی، ضرررسانی جاهلانه (و شاید در بعضی موارد عامدانه) را در بر خواهد داشت. در دین مبین اسلام، عامل اصلی برای اندازه‌گیری، همان عبودیت خداوند است. فراواند عوامل تعیین‌کننده‌ای که توسط خود دین، معرفی و معیار تعیین وزن و ارزش عبادی شده‌اند و با بهره‌برداری از آنها و تنظیم طبقه‌بندی‌های مناسب از آنها، می‌توان برای اندازه‌گیری صحیح دین و دینداری در جامعه اقدام کرد. تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و الگوهای مورد توجه دین از نگاه دین اسلام و تهیه اوزان مناسب با آن از طریق راهنمایی خود دین، راهگشای پرهیز تقلید از ابزارها و الگوهای بی‌دین است که برای اندازه‌گیری دین و دینداری توسط سایر ادیان فراهم شده‌اند. توجه به حوزه‌های خصوصی و متنوع فردی و اجتماعی، موجب می‌شود فهم دقیق‌تری از دینداری در موارد عام و خاص حاصل شود و دامنه پژوهشهای دینداری،

گلوگاه‌ها و عوامل مؤثر بر تولید علوم انسانی اسلامی ♦ ۳۳

به اقصی نقاط مسائل فردی و اجتماعی گسترش یابد. بدین ترتیب، قلمرو سنجش دینداری، دقیق‌تر و به واقع نزدیک‌تر می‌شود. بهره‌برداری از محتواهای مطرح در متن دین اسلام، کارگشای تعیین مؤلفه‌ها، ابعاد ویژگی‌ها و شاخصهای مناسب خواهد شد و انحراف از مسیر صحیح سنجش دینداری را سد می‌نماید». (فضائلی، ۹۰-۱۳۸۹)

اما مهم‌ترین عامل در اسلامی‌سازی محتوای آموزش، درونی کردن ارزشهای اسلامی است که در این زمینه، «پس از شناخت معیارهای بازشناسی محتوای اسلامی از غیر اسلامی، پنج نقش و کارکرد اساسی، برای کتاب اسلامی در درونی شدن ارزشها به دست می‌آید. نقشهایی چون: توحیدپروری، عقل‌پروری، نقل‌آموزی، تکامل‌بخشی و ارزش‌آموزی، کارکردهایی هستند که به طور غیر مستقیم و تدریجی موجب درونی شدن ارزشهای اسلامی می‌شوند. نتیجه درونی شدن ارزشها به وسیله کتاب اسلامی، تربیت انسان کامل و ساختن هویت و شخصیتی اسلامی خواهد بود». (موسوی نسب و دیگران، ۱۳۹۱)

در آموزه‌های دینی فراوان به این امر سفارش شده است که نوجوانان را دریابید. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْتِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يُقْسَوْ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلَل لُبُّكَ لِتَسْتَقْبِلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعْيَتُهُ وَ تَجْرِبَتُهُ فَتَكُونَ قَدْ كُفَيْتَ مَثْوَى الطَّلَبِ وَ غُوفِيَتْ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ فَأَتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ كُنَّا نَأْتِيهِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ مَا رَبِّمَا أَظْلَمَ عَلَيْنَ» (نهج‌البلاغه: ۳۹۳)؛ زیرا قلب نوجوان، چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد؛ تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند، و آنچه از تجربیات آنها نصیب ما شد، به تو هم رسیده و برخی از تجربیاتی که بر ما پنهان مانده بود، برای شما روشن گردد. (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۲۳)

با این همه، حقیقت این است که اصل نظریه تربیت اسلامی و فلسفه آن، دوران شکل‌گیری خود را می‌گذراند؛ به گونه‌ای که بهترین نوشته‌هایی که در این زمینه نگاشته شده، مانند کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» (فتحعلی و دیگران: ۱۳۹۰)، بیشتر فلسفه است تا فلسفه تربیت! یا بیشتر فلسفه علوم انسانی است تا فلسفه تربیت اسلامی. اما این امر هرگز نباید ما را از برداشتن گامهای بعدی نومید کند؛ بلکه باید درباره تحول در علوم انسانی هر چه بیشتر اندیشیده شود. به ویژه بر

اساس یافته‌های مقاله حاضر، پیشنهاد می‌شود که بر اساس الگوی SWOT، تمامی نقاط ضعف گلوگاه حساس دوره راهنمایی و دبیرستان که اکنون به یک دوره تبدیل شده و نیز تهدیدها و فرصتهای موجود در این دوره از نظر اسلامی‌سازی علوم، موضوع تحقیق دیگری قرار گرفته، راهکارهای رهایی از ضعف و تهدیدها و استفاده بهینه از نقاط قوت و فرصتها ارائه شود.

از این رو، به نظر می‌رسد اولین گام در این راستا، نقد آموزه‌های دینی در کتابهای درسی است. البته تلاشهایی در این زمینه صورت گرفته است؛ از جمله: مقاله «نقد آموزه‌های دینی در کتاب تعلیمات دینی اول راهنمایی» (مسعود حمیدی: ۱۳۸۷) و نیز مقاله «قرآن و کتاب دین و زندگی» (میرعارفین: ۱۳۸۷). این همه به دلیل آن است که کتاب درسی دینی، مهم‌ترین رسانه آموزش دینی است (باهنر، ۱۳۷۶). همچنین، «نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که زمینه بازنگری در برنامه و کتابهای درسی تا حدودی فراهم شده است، با این تفاوت که امکان بازنگری در عناوین درسی با ماهیت عمومی، تاریخی، فلسفی، نقلی-تفسیری، بیشتر و در عناوین درسی با ماهیت تجربی، تجویزی و روش‌شناختی، کمتر فراهم شده است» (نوذری، ۱۳۹۱).

سخن آخر در این زمینه آنکه، یافته‌های تحقیق با نظریه‌های برخی از دانشمندان بزرگ معاصر نیز همخوانی دارد؛ آنجا که گفته شده است: «به اعتقاد علامه مصباح، در مسیر تحول در علوم انسانی موانع بسیاری از جمله: عدم استفاده از روش متناسب با موضوع تحقیق، استناد به روایتهای ضعیف و مشکوک، سازگار نبودن رشته‌های علمی در دانشگاهها با اهداف اسلامی، علمی کردن دین، رواج اصطلاح پوزیتیویستی علم و فقر علمی در زمینه شناخت دین (عدم آشنایی دانشجویان و برخی استادان دانشگاه با مبانی اندیشه‌های اسلامی، اسلامی نبودن برخی مطالب مطرح در کتابهای درسی، منتشر شدن نشریه‌ها با محتوای غیراسلامی در کشور) وجود دارند که باید برطرف شوند. وی آشنایی دقیق با علوم انسانی غربی و توجه به همه نظریه‌های مطرح در آن قلمرو، تقویت دروس دینی و آگاهی کامل از مبانی دینی، فهم درست آیات و روایات، دمیدن روح دین در علوم انسانی با تحول در مبانی آنها، تشکیل دادن کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد تخصصی در زمینه علوم انسانی اسلامی، بازنگری در کتابهای درسی حوزه و دانشگاه، اولویت‌بندی علوم و تبیین ضرورت تحول در علوم انسانی را در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی پیشنهاد می‌دهد و معتقد است که در این مسیر نباید از هیچ تلاشی فروگذار کرد. اسلام، از آن جهت که دینی کامل و جامع است و برای همه عرصه‌های زندگی (از جمله عرصه‌های علوم

گلوگاه‌ها و عوامل مؤثر بر تولید علوم انسانی اسلامی ۳۵

انسانی) برنامه دارد، باید با نگرشی ژرف بررسی شود تا از این طریق، اصول و مبانی علوم انسانی گوناگون استخراج شوند و تحولی بزرگ در عرصه جهانی علم رخ دهد. این امر مهم از دیدگاه علامه مصباح علاوه بر تلاش و همتی دوچندان، نیازمند استفاده از منبع و روش صحیح، ترکیه و خودسازی، بصیرت داشتن، در نظر گرفتن اولویتهای زمان، اخلاص، و حاضر دانستن خدا در همه عرصه‌هاست». (محیطی اردکان و دیگران، ۱۳۹۱)

ز) نتیجه گیری

تحلیل نتایج به دست آمده مبتنی بر نظریه محدودیت، این است که در مسیر حرکت به طرف علوم انسانی اسلامی، ضعیف‌ترین حلقه‌ها، سطح راهنمایی و حلقه ضعیف دیگر، دبیرستان است. با آشنا کردن دانش‌آموزان با اهمیت علوم انسانی اسلامی و تجهیز معلمان به اطلاعات و تخصص کافی، می‌توان پایه‌های این علوم را محکم‌تر بنا کرد.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقی مستقل بر اساس الگوی SWOT، نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصتها مورد شناسایی قرار گرفته، راهکارهای مناسب برای رفع ضعفها و تهدیدها و تقویت نقاط قوت و استفاده بهینه از فرصتها ارائه شود. همچنین، با توجه به یافته‌های تحقیق، برخی از عناصر که از اهمیت بالایی برخوردار بوده و در سطح ۹۵ درصد اطمینان، معنادار می‌باشند، به تقویت بیشتر نیازمندند.

منابع

- نهج البلاغه. محمد بن حسین شریف رضی (۱۴۱۴ ق). تصحیح صبحی صالح. قم: هجرت.
- ابن ادریس، محمد بن منصور حلّی (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ دوم.
- آذر، عادل و منصور مؤمنی (۱۳۷۷). آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: سمت.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). هویت علم دینی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم.
- باهنر، ناصر (۱۳۷۶). «توسعه فرهنگی و برنامه‌ریزی رسانه آموزش دینی در ایران». مجله دین و ارتباطات، ش ۴ (تابستان).
- پیروانی‌نیا، پگاه و پونه پیروانی‌نیا (۱۳۸۸). «تحلیل محتوای کتب درسی پیش‌دانشگاهی از نظر توجه به قرآن و مفاهیم قرآنی». مجله مطالعات قرآن و حدیث، سال سوم، ش ۱ / پیاپی ۵ (پاییز و زمستان): ۱۶۹-۱۸۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). شریعت در آینه معرفت. قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل‌البتیت.
- حسنی، سید حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۷). علم دینی - دیدگاهها و ملاحظات. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ چهارم.
- حسنی، سید حمیدرضا و مهدی علیپور (۱۳۸۵). «اجتهاد به مثابه فرایند کشف و تولید علوم انسانی اسلامی». مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری). قم: حکمت نوین اسلامی (حنا).
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: مشهور.
- رهنما، علی‌اکبر؛ فرزانه طباطبایی و حمید علین (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران». دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال سیزدهم، دوره جدید، ش ۲۱ (اسفند).

گلوگاه‌ها و عوامل مؤثر بر تولید علوم انسانی اسلامی ❖ ۳۷

- سروش عبدالکریم (۱۳۷۳). تفرج صنع؛ گفتارهایی در اخلاق، صنعت و علم انسانی. تهران: صراط، چ سوم.
- فتحعلی، محمود؛ مجتبی مصباح و حسن یوسفیان، زیر نظر آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- فروند، ژولین (۱۳۷۲). نظریه‌های مربوط به علوم انسانی. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: نشر دانشگاهی.
- فضائلی، احمد (۹۰-۱۳۸۹). «گامی برای بهره‌گیری از محتوای دین اسلام در پژوهش دینداری؛ جنبه‌ای از تحول در علوم انسانی». مجله راهبرد فرهنگ، ش ۱۳-۱۲ (زمستان و بهار).
- فیاض، ایراندخت (۱۳۸۷). «پرسی فراتحلیلی محتوای کتابهای درسی در رابطه با ارزشهای اسلامی-ایرانی». مجله فرهنگ و علم، سال اول، ش ۱ (بهار).
- گلشنی، مهدی (۱۳۸۵). از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ سوم.
- گلشنی، مهدی (۱۳۸۷). آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد. ترجمه بتول نجفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار. بیروت: الوفا.
- محیطی اردکان، محمدعلی و علی مصباح (۱۳۹۱). «بایدها و نبایدها یا اسلامی‌سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح». مجله معرفت فلسفی، سال دهم، ش ۱ (پاییز).
- مسعود حمیدی، فاطمه (۱۳۸۷). «نقد آموزه‌های دینی در کتاب تعلیمات دینی اول راهنمایی». مجله کتاب‌ها و کودکان و نوجوان، ش ۲۱ (اسفند).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). ده گفتار. تهران: صدرا.
- موسوی‌نسب، سید محمدصادق؛ هادی رازقی و حسین خطیبی (۱۳۹۱). «نقش اسلامی‌سازی محتوای آموزشی در درونی شدن ارزشهای اسلامی». مجله معرفت، سال بیست و یکم، ش ۱۷۹ (آبان): ۳۰-۱۵.

۳۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۸

- میر عارفین، فاطمه سادات (۱۳۸۷). «قرآن و کتاب دین و زندگی». مجله رشد آموزش قرآن، دوره سوم، ش ۱ (پاییز).
- نوذری، محمود (۱۳۹۱). «امکان اسلامی سازی و بومی سازی برنامه درسی رشته علوم تربیتی». راهبرد فرهنگ، ش ۱۹ (پاییز).

